



بهاره محبی: «قدرت خاموش پشت تاج‌وتخت، با نفوذترین مشاور، قدرتمندترین جانشین و جدی‌ترین مخالف «دونالد ترامپ» اینها توصیف نشریه «پولیتیکو» از ایوانکا، دختر رئیس‌جمهوری منتخب ایالات متحده، است. دونالد ترامپ خود در مصاحبه‌ای در پاسخ به این پرسش که «آیا فرد نزدیکی به شما هست که بتوانید کاملاً روی آن حساب کنید؟»، بلافاصله گفته است: «بله. ایوانکا».

حرف‌وحديث‌ها درباره ورود ایوانکا ترامپ به دنیای سیاست از ماه‌ها پیش از اعلام نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری شنیده می‌شد، اما داستان وقتی بالا گرفت که پس از پیروزی ترامپ در انتخابات، «شینزو آبه»، نخست‌وزیر ژاپن، در سفری به ایالات متحده به دیدن رئیس‌جمهوری منتخب رفت. در این دیدار ایوانکا ترامپ در رفتاری خلاف عرف دیپلماتیک در مقام یک ناظر در نشست رسمی پدر حضور داشت. روزنامه انگلیسی «دیلی میل» با تأیید ضمنی این گمانه‌زنی‌ها، نوشته ایوانکا قرار است در غیاب «ملانیا»، همسر ترامپ، در کاخ سفید مسئولیت بانوی اول را برعهده گیرد. ملانیا هم گفته به دلیل مدرسه پسرش قصد دارد تا یک سال آینده در نیویورک باقی بماند و در کاخ سفید ساکن نشود. البته به‌تازگی دونالد ترامپ خود به‌صراحت اعلام کرده دوست دارد ایوانکا و همسرش، «جرد کوشنر»، را در تیم دولت داشته باشد. رئیس‌جمهور منتخب ایالات متحده به رسم همیشگی خود با تعریف و تمجید فراوان از دختر و دامادش، تأکید کرده دوست دارد آنها را درگیر امور دولتی کند. دونالد ترامپ گفته است: «اگر به ایوانکا نگاه کنید، می‌بینید او قدرتمند است و همان‌طور که می‌دانید، نسبت به مسائل زنان و سلامت کودکان بسیار حساس. هیچ کس نمی‌تواند رسیدگی به این امور را بهتر از او انجام دهد. من دنبال این هستم ببینم چه کارهایی در این زمینه می‌توانیم انجام دهیم، اما ایوانکا می‌خواهد و دوست دارد دراین‌باره کاری کند».

دوچپه‌وله می‌نویسد: «در تاریخ ریاست‌جمهوری آمریکا مواردی بوده‌اند که دختران رئیس‌جمهور گاه به جای مادر نقش بانوی‌اولی را در استقبال از میهمانان یا ایراد سخنرانی‌های کوچک برعهده گرفته‌اند، اما تاکنون سابقه نداشته دختر یک رئیس‌جمهور به‌طور جدی در فعالیت‌های سیاسی پدرش دخالت داشته باشد و به او مشاوره دهد». ایوانکا، کارآفرین و معاون اجرایی شرکت ترامپ، ستاره درخشان خانواده توصیف می‌شود. او که ۳۵ سال دارد و مادر سه فرزند است، «فرزند محبوب» پدر بوده و در کسب‌وکار خانوادگی قدرت مطلق دارد. او به‌تهایی مدیر اجرایی بخش توسعه و مالکیت در مؤسسه ترامپ و هتل‌های زنجیره‌ای آن است. نیویورکتایمز با اشاره به موفقیت‌های او در این عرصه می‌نویسد: «ایوانکا در کسب‌وکار خانوادگی ترامپ سطحی از قدرت و تصمیم‌گیری را داشت که هیچ‌یک از همسران دونالد ترامپ یا مدیران اجرایی نداشتند». ایوانکا چندین سال به عنوان مدل هم فعالیت داشته که به‌گفته پدرش «پول خوبی هم از این کار به‌دست آورده است». او همچنین مالک وب‌سایتی است که از جمله لباس و زینت‌آلات برای فروش عرضه می‌کند. ارزش این وب‌سایت ۲۰۰ میلیون دلار برآورد می‌شود. فرزند محبوب دونالد ترامت تابستان امسال در مجمع عمومی حزب جمهوری‌خواه به زنان و جوانان وعده داده است پدرش به دنبال احقاق حقوق زنان و تجدیدنظر در سیاست‌های تعیین دستمزد خواهد بود؛ وعده‌هایی که ترامپ خود در جریان رقابت‌های انتخاباتی به‌ندرت درباره آنها صحبت کرده است.

ایوانکا در اینستاگرام با نزدیک به دومیلیون و در توئیتر با حدود ۲،۵ میلیون دنبال‌کننده (فالوئر) حضور درخور توجهی نیز در شبکه‌های اجتماعی دارد. البته این حضور کمتر رنگ‌وبوی سیاسی دارد و بیشتر در جهت فعالیت‌های تجاری وب‌سایتش در زمینه مد است. او مجموعه جدید گفشی و لباسش را به هواداران عرضه می‌کند یا با گذاشتن عکس‌های خانوادگی از فرزندان و همسرش، گوشه‌ای از زندگی معمولی خود را به نمایش می‌گذارد.

ایوانکا تاکنون دو کتاب نوشته و منتشر کرده است. او در سال ۲۰۰۹ کتابی با نام «کارت ترامپ»، راهنمایی برای موفقیت زنان در عرصه کار و زندگی نوشت که به فهرست کتاب‌های پرفروش نیویورکتایمز نیز راه یافت. ژوئن امسال ایوانکا دومین کتابش را به نام «زنانی که کار می‌کنند: بازنویسی قوانین موفقیت» منتشر کرد. مفسران می‌گویند ایوانکا یکی از مهم‌ترین مهره‌های ستاد انتخاباتی ترامپ بوده است. توانایی و مهارت ایوانکا در مدیریت روابط اجتماعی در سطح گسترده، اعتمادبه‌نفسی به او داده که پدرش فاقد آن است. ایندپندنت می‌نویسد: «ایوانکا با بیانی آرام و شمرده کاملاً با پدرش تفاوت دارد. در شرایطی که همه اعضای خانواده اغلب اظهاراتی هیجان‌زده و احساساتی دارند، او خونسرد و بی‌نقص رفتار می‌کند و مانند یک سیاستمدار محافظه‌کار الفاظ را به کار می‌برد، برخلاف پدرش که با هر سخنرانی یا مصاحبه‌ای یک جنجال به پا می‌کند».

زندگی شخصی

ایوانکا ترامپ سال ۱۹۸۱ میلادی در نیویورک به دنیا آمد. او تنها فرزند دونالد ترامپ از نخستین ازدواجش با ایوانا، ورزشکار اهل چک، است. ایوانکا سال‌های اولیه زندگی خود را میان نخبان منتهن و تحصیل در مدرسه چاپلین گذراند؛ جایی که پیش‌تر جکی کندی، بانوی سابق آمریکا، درس خوانده بود. گذراندن. ایوانکا بعدها به دانشکده‌ای در کانکتیکات



رفت که جان اف کندی در آن تحصیل کرده بود. خارج از دنیای سیاست و صفت‌بندی‌های حزبی، ایوانکا ترامپ دوستی دیرینه‌ای هم با چلسی کلinton، فرزند هیلاری و بیل کلinton دارد، اما در کشاکش رقابت سرسخت هیلاری کلinton و دونالد ترامپ، ایوانکا و چلسی ترجیح دادند این دوستی را دست‌کم تا مدتی که نتیجه انتخابات روشن شود، به حال خود واگذاشته و در انتظار عمومی در کنار هم ظاهر نشوند.

ایوانکا یک مسیحی پروتستان بود ولی در سال ۲۰۰۹ میلادی پس از گرویدن به دین یهودیت با جرد کوشنر، پسر یک ساختمان‌ساز یهودی – آمریکایی، ازدواج کرد. جرد کوشنر درس‌خوانده کالج هاروارد و فارالتحصیل دانشگاه نیویورک است. او مالک شرکت سهامی و توسعه املاک «کوشنر» و شرکت «آبزرورمدیا» ناشر هفته‌نامه «نیویورک‌آبزرور» است. کوشنر یکی از چهره‌های اصلی کارزار انتخاباتی ترامپ بود و پس از پیروزی او به عنوان یکی از مهره‌های اصلی تیم تشکیل دولت جدید به شمار می‌رود. این زوج سه فرزند دارند: آربالا رز، جوزف فردریک کوشنر و تئودور جیمز. ایوانکا سال گذشته در مصاحبه با نشریه «وگوس» خود را فردی بسیار مدرن و درعین‌حال سنتی خوانده است. او به‌ندرت درباره اعتقادات مذهبی خود صحبت می‌کند و این مسئله را کاملاً شخصی می‌داند. بااین‌حال، دونالد ترامپ در جریان رقابت‌های انتخاباتی برای اینکه به لابی‌های صهیونیستی اطمینان دهد حامی اسرائیل است، چندین‌بار به اعتقادات مذهبی اشاره کرده است. برای مثال، در ماه مارس بود که در مناظره انتخاباتی درون حزبی در میامی گفت: «من عشق فوق‌العاده‌ای به اسرائیل دارم. دختر و دامادی دارم که یهودی و همین‌طور نوه‌هایی که یهودی هستند».

ناجی انتخاباتی پدر

در سال ۱۹۹۹ زمانی که دونالد ترامپ در رؤیای نامزدشدن در انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده بود، ملانیا به یکی از رسانه‌ها گفته بود اگر دونالد پیروز شود، او بانوی‌اولی بسیار سنتی مانند «بتی فورد»، همسر «جرالد فورد»، یا «ژاکلین کندی»، همسر «جان کندی»، خواهد شد. ترامپ در انتخابات پیروز شد اما به نظر می‌رسد رؤیای ملانیا با وجود ایوانکا محقق نخواهد شد. در ماه ژوئن زمانی که دونالد ترامپ در مراسمی رسماً نامزدیش در انتخابات را برای حزب جمهوری‌خواه اعلام کرد، این ایوانکا بود که پدرش را به روی صحنه فراخواند؛ وظیفه‌ای که طبق اصول، برعهده همسر یک نامزد انتخابات است. در جریان رقابت‌های انتخاباتی دونالد ترامپ هم این ایوانکا بود که پیام‌های انتخاباتی پدرش را منتشر می‌کرد؛ کاری که معمولاً همسر کاندیداهای انتخاباتی انجام می‌دهند. نشریه «وینیتی‌فیر» در گزارشی با عنوان «همسر نیابتی»، نوشته ایوانکا به این دلیل جای ملانیا را در رقابت‌های انتخاباتی گرفته بود که تیم ستاد انتخاباتی ترامپ، همسر آقای‌کاندیدا را گزینه مناسبی برای مانورهای تبلیغاتی نمی‌دانستند. این نشریه نوشته است: «به نظر می‌رسید ستاد انتخاباتی ترامپ با این مسئله که ایوانکا پیام‌های انتخاباتی پدرش را منتشر کند، هیچ مشکلی نداشتند». گفته شده یکی از تأثیرات بزرگی که

ایوانکا روی پدرش داشته، رسیدگی به مشکلات سقط‌جنین در ایالات متحده بوده است. همچنین زمانی که دونالد ترامپ با اظهارات زن‌ستیزانه‌اش در جهان خرساز شد، این ایوانکا ترامپ بود که برای ترمیم چهره مخدوش پدر به روی صحنه آمد و دونالد ترامپ را مردی معرفی کرد که «صد درصد به برابری جنسیتی اعتقاد دارد». ایوانکا آشکارا اظهارات پدرش را نامناسب و توهین‌آمیز خواند. همچنین او از غدرخواهی فوری پدرش از مردم آمریکا و خانواده استقبال کرد و شرکت خانوادگی پدر را نمونه‌ای مثال‌زدنی خواند که در آن «تعداد مدیران زن بیش از مدیران مرد است. زنان درآمدی مساوی با مردان دارند و زمانی که باردار می‌شوند، به جای اخراج حمایت می‌شوند». ایوانکا در مصاحبه‌ای گفته بود از خواندن مطالبی که درباره پدرش نوشته می‌شده، به‌شدت ناراحت می‌شده است. اما بزرگ‌ترین دلخوشی‌اش این بوده که پدرش را به خوبی می‌شناسد. در حالی که بیشتر افرادی که درباره او (دونالد) می‌نویسند هیچ شناختی از او ندارند. ایگیل کلیم، مسئول برنند ایوانکا ترامپ، می‌گوید: «فکر می‌کنم ایوانکا واقعاً پوست‌کلفت است. این سرسختی او به این دلیل است که در برابر چشم افکار عمومی و رسانه‌ها بزرگ شده است». سی‌ان‌ان با اشاره به نقش ایوانکا در مدیریت رسوایی ترامپ، می‌نویسد: «او بیشتر از یک دختر بزرگ خانواده و حتی بانوی اول است. او بزرگ‌ترین حامی مؤثر و کارآمد پدرش در جریان رقابت‌های انتخاباتی بود. او در زمانی که همه رسانه‌ها چهره‌ای زشت و غیرانسانی از دونالد ترامپ ترسیم می‌کردند، توانست چهره‌ای انسانی از پدرش ارائه دهد؛ کاری که ملانیا قادر به انجامش نبود».

همه‌جا و هیچ‌جا

با وجود ابراز تمایل دونالد ترامپ برای استفاده از ایوانکا و



همسرش در کابینه، او آشکارا گفته است نمی‌خواهد پستی رسمی باشد. ایوانکا در مصاحبه‌ای با شبکه سی‌بی‌اس گفته است درباره برابری حقوق زنان دغدغه‌ای جدی دارد اما به‌دنبال گرفتن پستی رسمی در دولت نیست. او گفته به دنبال تشویق زنان برای ادامه تحصیل و ایجاد فرصت‌های برابر برای زنان است. فرزند ارشد ترامپ گفته است: «قصد دارم دختر ترامپ باشم. اما همان‌طور که در جریان رقابت‌های انتخاباتی گفتم نسبت به برخی مسائل حساسیت ویژه‌ای دارم و می‌خواهم برای آنها بجنگم. مسائلی مانند برابری حقوق و مراقبت از کودکان. اینها مسائلی هستند که برام بسیار مهم است».

ایوانکا از مخالفان سرسخت پدر هم هست. او هرچند به‌شدت پدر خود را ستایش می‌کند، اما در مصاحبه‌ای که در سال ۲۰۱۳ با نشریه «فوربس» انجام داده مزی برای حمایت از پدرش قائل شده و گفته بود: «من پشتیبان پدرم هستم اما با هر چیزی که می‌گوید، موافق نیستم». بااین‌حال، بسیاری سخنرانی‌های حمایت‌گرانه ایوانکا از دونالد ترامپ را عامل مهمی در جمع‌آوری رأی و پیروزی او در انتخابات ریاست‌جمهوری می‌دانند. شاید ایوانکا پستی رسمی در دولت نداشته باشد، اما کاملاً مشخص است در همه دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ به اعمال نفوذ درخورملاحظه خود بر پدرش ادامه خواهد داد. از زمان پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری، ایوانکا در همه دیدارهای رئیس‌جمهوری منتخب با رهبران جهان، شخصیت‌های رسانه‌ای و اعضای احتمالی کابینه حضور داشته است. نیز گفته در جریان تماس تلفنی خود با دونالد آبه، نخست‌وزیر ژاپن، در نیویورک منتشر شده، ایوانکا نیز دیده می‌شود. «یوشینوبو یاماموتو»، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه «نیگاتا»، معتقد است این شرایط کاملاً غیرمعمول بوده است. «سیمون مالوی» نیز معتقد است: «تقریباً هیچ دلیلی برای حضور نامتعارف ایوانکا در دیدار رودرروی رهبران دو کشور وجود ندارد به جز منافع شخصی». «مانوریسو ماکری»، رئیس‌جمهور آژانتین، نیز گفته در جریان تماس تلفنی خود با دونالد ترامپ، با ایوانکا صحبت کرده است. ماکری که سال‌ها با خانواده ترامپ مرادوات تجاری داشته، درظاهر فقط قصد داشته با دختر همکار سابق خود احوال‌پرسی کند. «ال گبور»، معاون رئیس‌جمهور سابق، که یکی از حامیان سرسخت سیاست‌های تغییرات جوی دولت «باراک اوباما»، رئیس‌جمهوری کنونی آمریکاست، هم گفته پیش از دیدار با دونالد ترامپ برای پیداکردن نظرات مشترک با دولت جدید، با ایوانکا دیدار کرده است. منتقدان ترامپ معتقدند تصمیم رئیس‌جمهور منتخب برای واردکردن فرزندانش به حلقه قدرت باعث ایجاد نگرانی‌ها نسبت به ظهور پدیده خویشاوندسالاری شده است. پلایکا خبری «سی‌ان‌ان» می‌نویسد: «هیچ زمانی دختر یک رئیس‌جمهور چنین موقعیتی نداشته و به عنوان مشاور رئیس‌جمهور در نظر گرفته نشده است؛ اما هم زمانی که مرزهای میان سیاست، منافع شخصی کسب‌وکار و دیپلماتی چنین درهم‌تنیده شده است. همین مسئله موقعیت ایوانکا را در دولت بعد ایالات متحده بسیار پیچیده می‌کند». نشریه «نیویورکر» نیز که در جریان رقابت‌های انتخاباتی از هیلاری کلinton حمایت کرده و تندترین تیرها را علیه دونالد ترامپ زده است، در مطلبی با عنوان «آینده زنان در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ»، می‌نویسد دلایل زیادی برای نگرانی نسبت به وضعیت زنان در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ وجود دارد. ترامپ از همین حالا نیتد به امور زنان از خود سلب مسئولیت کرده و مسئولیت این امور را به صورت برون‌سپاری به دخترش ایوانکا واگذار می‌کند. واقعیت این است شاید ایوانکا موفق شود از خود چهره‌ای آرمانی به نمایش بگذارد که قادر است در کنار کسب‌وکار خانوادگی به پدرش هم مشاوره دهد و البته از سه فرزندش هم مراقبت کند، اما به نظر نمی‌رسد او راهی برای انتخاب شدن به عنوان نایب‌ساز پدر در کنار یکدیگر یافته باشد. از طرف دیگر، از هیاهوهای رسانه‌ای که بگذریم، اگر ایوانکا آن‌طور که گفته می‌شود، بر پدرش نفوذ نداشته باشد مسائلی که قرار است رقی‌ووفق آن به صورت غیررسمی به ایوانکا واگذار شود چه سرنوشتی پیدا خواهند کرد؟ یک مسئله دیگر را نباید فراموش کرد در دموکراسی آمریکایی اگر فردی که غیرمنتخب است نفعی از خود ندارد درگیر اداره امور مملکتی شود، فریادهای اعتراضی بلند خواهد شد؛ همان‌طور که وقتی مشخص شد «بیل کلinton»، رئیس‌جمهوری اسبق ایالات متحده، «هیلاری کلinton»، همسرش را مسئول اصلاح سیستم بهداشت درمانی کرده است. از طرف دیگر، دیده شده در کشورهای که ایوانکا به خانواده‌های حاکم از پستی انتخاباتی برای ترویج و توسعه کسب‌وکار خانوادگی خود استفاده می‌کنند، این دموکراسی و تمایل به آزادی‌های دموکراتیک است که تضعیف می‌شود. ایالات متحده می‌توانست نخستین رئیس‌جمهوری زن خود را داشته باشد که قطعاً از حقوق اساسی زنان نیز دفاع می‌کرد، اما اکنون «ختراولی» داریم که نمی‌دانیم قرار است از حقوق



یادداشت

جویندگان طلا از برگزیت تا خلیج فارس

سینا صباد

چندی پیش و در یک همه‌پرسی، بریتانیا تصمیم به خروج از اتحادیه اروپا گرفت؛ اتحادیه اروپایی که بنا به گفته سیاست‌مداران بریتانیایی، چیزی جز بازکردن مرزها به روی مهاجران و افزایش بی‌کاری برای شهروندان بریتانیا نداشت. افزون بر این مشکلات، اوضاع اقتصادی کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز، چندان روبه‌سامان نبود و درخواست همکاری سران اتحادیه اروپا از بریتانیا برای حل مشکلات اقتصادی برخی کشورهای عضو این اتحادیه، مانند یونان و اسپانیا (سال‌های پیش)، باعث نگرانی دوجندان رهبران بریتانیا شده بود. اما اگر سیاست‌مداران انگلیسی واقع‌بینانه به مسئله بنگرند، اتحادیه اروپا با وجود معایب و زبان‌های اقتصادی که برای انگلستان به بار آورد، مزایایی نیز داشت. از سال‌های پیش تاکنون، «طرح شنگن» و بازار واحد اتحادیه اروپا، موجب رونق اقتصادی فراوانی برای بریتانیا شده است. از این روی چنین انتظار

می‌رود که اگر چه خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، از بسیاری از هزینه‌های انگلستان و کشورهای عضو می‌کاهد، اما بسیاری از راه‌های ورود سرمایه و مبادلات اقتصادی را نیز مسدود می‌کند. بدین‌سان انگلستان پس از خروج از اتحادیه اروپا، در ادامه سیاست‌های خود و برای برطرف‌کردن این نقیصه، سعی در یافتن متحدانی دیگر دارد تا بتواند جرق‌های اقتصاد خود را برگرداند و از این روی بخت خود را در خاورمیانه و خلیج‌فارس می‌آزماید. پس نباید دور از ذهن باشد که «ترزا می»، نخست‌وزیر بریتانیا در نشست «سران شورای همکاری خلیج‌فارس» و در جمع متحدان جدیدش، ایران را تهدیدیی آشکار برای امنیت منطقه خلیج‌فارس بخواند. او با تکرار این ادعاها علیه ایران تلاش کرد حداکثر رضایت کشورهای عربی منطقه را جلب کند. در این شکی نیست که انگلستان پس از خروج از اتحادیه اروپا و در پی جبران صدمات اقتصادی ناشی از برگزیت، می‌خواهد مانند گذشته، در مسائل منطقه خاورمیانه و خلیج‌فارس، دخیل و سهمیم باشد. اما گویا چندین سال انزوا و دوری از منطقه خلیج‌فارس، انگلستان را با اشتباهات محاسباتی مواجه کرده است. به عبارتی می‌توان گفت دور از ذهن نیست سیاست‌مداران انگلیسی برای جبران صدمات اقتصادی ناشی از برگزیت، اشتباه دیگری مرتکب شوند، زیرا با وجود نظر معدود دیپلمات‌های برج‌جام، مناسبات اقتصادی ایران و اتحادیه اروپا رو به افزایش است. از سوی دیگر، کشورهای شرق آسیا نیز در دوره پس‌اجرام، بیش‌ازپیش به گسترش روابطشان با ایران پرداخته‌اند و این می‌تواند دلیلی بر رویکرد اشتباه رهبران انگلستان باشد.

آرئ: انگلستانی که رؤیای دستیابی به طلای سیاه را در سر دارد، در حالی وارد مناسبات منطقه خاورمیانه می‌شود که روسیه، بیش از همیشه قدرت‌نمایی می‌کند. بسیاری معتقدند ورود انگلستان به موازنه قوایی که هم‌اکنون میان روسیه و ایالات متحده آمریکا برقرار است، می‌تواند موجبات برهم‌خوردن این توازن و ایجاد جنگ‌های جدید در خاورمیانه و در این مرز پرآشوب را فراهم کند. این به معنای بازی باخت-باخت برای انگلستان است زیرا از یک سو اتحادیه اروپا را از دست داد و از سوی دیگر، سهمش نیز از طلای سیاه، جز آتش و دود در خاورمیانه نشد. به عبارتی می‌توان سرنوشت بریتانیا را چنین تفسیر کرد: ستاره‌ای که از پرچم اتحادیه اروپا جدا شد، دریغ از یک شب آرام که بتواند در آسمان غبارآلود خاورمیانه بدرخشد.

نگاه

فرانسوا فیون و اتحاد راست میانه در فرانسه

سیدمجتبی جلال‌زاده

«فرانسوا فیون»، نخست‌وزیر پیشین فرانسه که در دور نخست انتخابات مقدماتی بیش از ۴۴ درصد آرا را به خود اختصاص داده بود، توانست در ۲۰ نوامبر با شکست «آلن ژوپه» و کسب اکثریت آرا و رسیدن به پیروزی قاطع، به عنوان نامزد نهایی حزب جمهوری‌خواهان فرانسه، یعنی حزب اصلی جناح راست میانه، انتخاب شود. اکنون فرانسوا فیون باید در انتخابات ریاست‌جمهوری سال آینده، با نامزد جناح چپ و نامزد جبهه ملی، روبه‌رو شود. چندی پیش روزنامه فیکارو نوشت: «فرانسوا اولاند، رئیس‌جمهوری فرانسه، نه‌تنها در میان مردم، بلکه در میان اعضای حزب سوسیالیست فرانسه نیز محبوبیتی ندارد؛ از آنجایی‌که حزب سوسیالیست حاکم به رهبری اولاند، از محبوبیت کمی برخوردار است، شانس پیروزی نامزد جمهوری‌خواهان در انتخابات آتی بالاست؛ بر همین اساس شناخت برنامه‌های فیون، حائز اهمیت است.

بررسی کرد: اتحادیه اروپا، روسیه، ایران و در نهایت بحران سوریه. غیر از مورد اول که رویکرد فیون به اتحادیه اروپا را شکل خواهد داد، دو مورد بعدی با مورد آخر، یعنی بحران سوریه و گروه تروریستی داعش پیوند می‌خورند. براین‌اساس روابط فرانسه و دیدگاه این کشور به روسیه و ایران، در چارچوب نوع نگاه، به حل بحران سوریه گره خورده و نقطه عزیمت سیاست خارجی احتمالی فیون را ترسیم می‌کند.

درخصوص اتحادیه اروپا، او قائل به نهادگرایی است. به‌این معنا که به نهاد اتحادیه اروپا اعتقاد دارد. اما از کشورهایی با هویت مستقل ملی در این اتحادیه حمایت می‌کند. بر همین اساس معتقد است حوزه یورو نیازمند مدیریت قوی است. فیون رسیدن به یک اروپای متحد و قوی، نظیر آنچه را که در گذشته تجربه کرده‌اند، بر پایه حل بحران‌های اقتصادی و تقویت قدرت اقتصادی (نظیر اشتغال‌رایی و ثبات حوزه یورو) در این اتحادیه می‌داند. اما اختلاف نظرهای فیون با سایر اعضای قدرتمند اتحادیه، نظیر آلمان را نیز نمی‌توان نادیده گرفت: فیون جزء مخالفان تحریم روسیه از سوی اتحادیه اروپاست؛ درحالی‌که دولت آلمان از این تحریم‌ها پشتیبانی می‌کند؛ همین امر نه‌تنها استقلال محافل سیاسی آلمان را برنینگخته، بلکه زمینه‌ساز نگرانی آنها نیز شده است.

فیون تقریباً از دوستان «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهوری روسیه محسوب می‌شود. او معتقد است اگر فرانسه سیاست خارجی خود را بر مبنای تنش با روسیه، چه در موضوع اوکراین و چه در موضوع سوریه بنا کند، هیچ سودی نخواهد برد؛ این یعنی نزدیکی و همکاری بیشتر با روسیه. فیون امید دارد تحریم‌ها علیه روسیه برداشته شود. او صراحتاً می‌گوید: «سیاست‌هایی که فرانسوا اولاند در چهار سال گذشته در برابر روسیه اتخاذ کرده، بوج است؛ زیرا روسیه را در این منزوی‌تر و سرسخت‌تر می‌کند و احساسات ناسیونالیستی را در این کشور برمی‌انگیزد. ما داریم روسیه را به سمت آسیا هل می‌دهیم؛ درحالی‌که این کشور به‌هیچ‌وجه یک تهدید نیست». او اگر چه از جدایی کریمه از سوی روسیه، حمایت نمی‌کند، اما معتقد است آن را باید پذیرفت و مانع‌را از تمام‌شده دانست تا بتوان به حالت تعادل و همکاری‌های گذشته، بازگشت. بر همین مبناست که رسانه‌های روسی رویکرد فیون در قبال روسیه را متعادل‌تر و معتدل‌تر از رویکرد آلن ژوپه ارزیابی می‌کنند.

درباره حل بحران سوریه، او معتقد است باید روسیه را به مذاکره با اروپا بازگرداند و با ایران به گفت‌وگو کرد و حل‌وفصل مسائل خاورمیانه بدون مشارکت ایران به نب‌بست می‌رسد. وی در این زمینه اعتقادی به مداخله نظامی ندارد و به آوردن شاهد مثالی تاریخی، حاصل مداخله ناتو در افغانستان را بی‌نتیجه توصیف می‌کند و معتقد است عراق و لیبی در وضعیت هرج‌ومرج به سر می‌برند و کشورهای عربی خاورمیانه، در کنار کشورهای آفریقا در معرض تهدید تروریسم قرار دارند. فیون این موارد را معضلی جهانی می‌داند با راهکاری سیاسی. ائتلاف‌سازی علیه داعش را بهترین روش مبارزه علیه این گروه تروریستی می‌داند و حتی در این ائتلاف حزب‌الله لبنان، کردها و ارتش سوریه و همکاری با آنها را در جهت مبارزه علیه داعش، مفید می‌داند.

با پیروزی فرانسوا فیون، بخش سنتی و کاتولیک جناح راست بر گرایش میانه‌رو، لائیک و گشوده به تحولات اجتماعی آن فائق می‌آید. ظهور این بخش از راست سنتی که کارشناسان تاریخ سیاسی فرانسه از آن به عنوان «راست میراث‌اثان» یاد می‌کنند، هرچند در سال اخیر با حضور پرسروصدا در فضای اجتماعی و عمومی غافل‌گیرکننده بود، درواقع یک تحول کند، اما عمیق جامعه فرانسه را بازمی‌تابد. این بخش از راست، خود را «حافظ مشروع میراث اقتصادی، سیاسی و فرهنگی» فرانسه می‌داند و تحولات اجتماعی سال‌های اخیر را تهدیدی برای آینده این کشور تلقی می‌کند. از نظر آنان بنیان جامعه فرانسه بر پایه فرهنگ مسیحی و لیبرال گذاشته شده است. فیون در برنامه و مواضع خود، سخن‌گویی این جریان را برعهده گرفت. این پیروزی تحول ایدئولوژیک جناح راست و جای آن را در چشم‌انداز سیاسی فرانسه نیز دچار تغییر و تحول می‌کند.

فیون از این پس، مبارزات خود را در چشم‌انداز انتخابات ریاست‌جمهوری آغاز خواهد کرد. پیروزی فیون در انتخابات آتی ریاست‌جمهوری می‌تواند چهره سیاسی فرانسه را در اروپا و جهان به طور کلی تغییر دهد. با توجه به آنچه بیان شد، نشانه‌هایی از روحیه بین‌المللی‌گرایی و همکاری جوانانه را در فیون شاهد هستیم. راه مهار حملات افراط‌گرایان و تروریست‌ها در داخل فرانسه را در خارج از خاک فرانسه می‌دانند و معتقد به همکاری بین‌المللی بین‌المللی قائل است و علاوه‌برآن، بشنا اسر را نیز جزئی از راه‌حل می‌داند. همچنین درباره همکاری با ایران برای حل بحران سوریه، هم‌راهنبود این سیاستمدار محافظه‌کار سعودی، ممکن است سبب بروز فاصله میان فرانسه و عربستان شود که می‌تواند برای ایران، فرصتی مناسب را پدید آورد. فیون، فرانسه‌ای پرقدرت را با تغییرات اقتصادی و تغییر در سیاست خارجی دنبال می‌کند و سرانجام آنکه با فرض پیروزی فیون، سیاست فرانسه در قبال ایران تغییری مثبت خواهد داشت.

منبع: اندیشکده روابط بین‌الملل